# زن شرور دو بار زندگی می‌کند

مترجم :
Umaru_chan

ویراستار :
Lilac

کلینر :
Castlan_A

تایپیست :
Suyori

کاری از تیم :
Flaxen Guys

@Flaxen_Guys

@Flaxen_Guyss

@Flaxen_Guys

# The Villainess Lives Twice

PEACHBERRY عنوان: | PARK JINWOO, KIM DALHAE رنگ آمیزی:
HAN MINT نویسنده:

همم... بانوی من؟
مالیندی

می‌خواید بکنم براتون آب بیارم؟ یا...؟
نیازی نیست. بگیر بخواب.

قفل زدن

ایستادن
اینو دیر؟ اتاق خوابش ابرو سرد یک وخوابه...

ابرو سرد یک گفتن که طرف دیگه در قفل نداره...
تا مدتی یخوابم هر وقت خواستم برم داخل...

لمس کردن

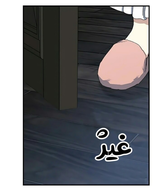
غیره

دوم
دوم

وزوز
وزوز

بازشدن

یعنی آدر
معروف انفجر روز شده
که اینطور.

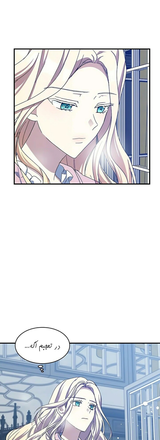

در تعجبم اگه...
وقتی حقیقت اینها پدرت، دربه‌در می‌گرده تو، فکر می‌کنید
نه، فکر کردن بهش فایده‌ای نداره.

پدرت من نوبی زندگی قبلیام تو غروری بودم
رفتارم با همه قابلمانه بود، اما با اورین از همه قابلمانه‌تر برخورد کردم.


تعمیرتوام به خودم اجازه بدم اینو واقعیت رو فراموش کنم.
تق




این...

این از زمان
خواستگاری تو رو سمته.

تلاق

دو روز بعد در اتاق،
ملاقات کردن دوک.

یه تاجر
چرم از دریای
جنوب؟

@Eimel

بله لوتا لطفن به تخلوتی کوچیک از تبار پاشاهی ایمیل خوش.
زمان زیادی بره که هویت لوتا رو تایید کنم برای همین الان وقت ازدیاد ترس یه و شما آرزش هم

توی این فصل؟
به نظر میاد پوس اَم شدن و نمی‌تونستن برگردن. اومدن اینجا
ماهیگیر های سرزمین مرکزی هم بعضی مواقع این شکلی رو دارن. باهوش من.

پس الان لوتا کجا موندن؟
لوتا اول تو مسافرخونه بودن. اما چاخان زمستون مسافرخونه‌ها بسته شدن.

در حال داخلش توی محبین.
اتاق های دائمی زیادی لوتا هست.

تا الان لوتا پریم رو از تبار سرزمین مرکزی میفرین.
اما این تاثیر کمت تصمیم گرفته با ما صنتیها معامله کنه.

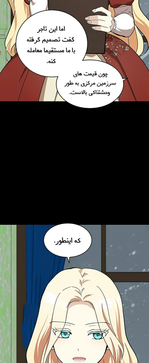
که اینطور.
چون قیمت های سرزمین مرکزی به طور وحشتناکی بالاست.

همون موقع بیام شما رو منتقل کرم که اثر سلاحرات به دوبی پیش نخوره.
و نمی‌تونن به توافق برسن. برای و اتو رو بفلاصله مفاقات کنن.

منتوپیم. فکر می‌کردم چنین اتفاقی بیوفته.
من میرم به ملاقاتشون.

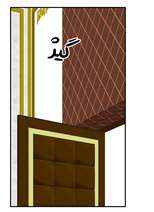
گلید

قدم
قدم

من شنیدم همه‌شون ملوانن. اما هیکل اونا...

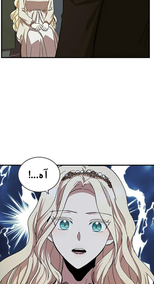
ایستگاه

آه...!

خیلی وقته تو دوست دارکیپسی رزارت.
تو
تو

یعنی چند وقت گذشته؟
این مدت چطور گذشته؟

چطور؟!
شما که نمی‌تونستید منو فراموش کرده باشید، مگه نه؟

عالیجناب کادریل از پادشاهی اینجاست.
خوشحالم که منو یادتونه.

از اون زمانی که منو زدید، هنوز سرم درد می‌کنه.
هاها

عقب وایستید.

هاه؟
این رفیق بی‌مزش رو باتوزد؟!

این یه تله است!
اون یه پیزی از شکمش درآورد!
سلاح‌هاتون رو بندازید جلوی الان!

نه، آقای آلفونس.
کنار وانو بمونید!!

تونگیری

این یعنی دوری...
سرگه
سلاح‌های دریایی ایمیل.

اگه اونا آتیجهای گذر دریایی، باید قوی‌ترین تیروهای امپراتوری باشن.
من تونی توی روز روشن اینو تشخیص بدی...

اما این سلاح‌ها
برای نیروهای اورون
ناشناخته‌ست.
سرقه

سرقه

گرفتن

پیدات کردم.
آخیش

بالاخره...
توی دستای
منی.

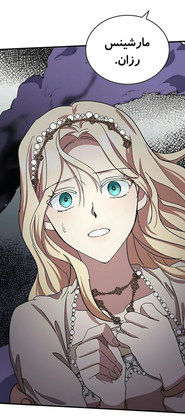
مارشینس
رزان.